

نامه سرگشاده نویسنده و محقق تبریزی به رئیس جمهوری آذربایجان

سرپیس آذربایجان / خبرگزاری آران
جناب آقای الهام علی اف ریاست محترم جمهوری آذربایجان

سلام علیکم

سخن خود را با نام و یاد خدایی که آدمی را آفرید و او را به سبب دو نعمت ارزشمند « عقل » و « اختیار » بر سایر موجودات برتری داد؛ آغاز می کنم و با پوزش پیشاپیش از اینکه لحظاتی از وقت شما را می گیرم قصد دارم درخصوص پاره ای موضوعات مهم و اساسی با شما به گفتگو بنشینم.

جناب آقای علی اف بنده یک مسلمان آذری زبان ایرانی هستم که از شهر تبریز برایتان نامه می نویسم؛ من خودم راد عوامل متعددی همچون تاریخ، تمدن، فرهنگ، زبان، دین و مذهب و ... با شما و مردم جمهوری آذربایجان شریک می دانم و همین اشتراکات باعث گردیده تا به سهم خودم نسبت به زبان، مذهب، هویت، تاریخ و تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان احساس مسئولیت نمایم که این احساس مسئولیت مبنای نگارش این نامه را تشکیل می دهد.

جناب آقای علی اف؛ اگر موافق باشید نگاهی گذرا به گذشته داشته باشیم؛ می دانید که تا یکصد و هشتاد سال قبل از این؛ نیاکان ما در سرزمینی به نام ایران به عنوان هموطن یکدیگر زندگی می کردند. در آن زمان نیاکان شما در قسمتی از ایران بزرگ که در شمال رود ارس قرار گرفته است - و آن زمان آران نامیده می شد- زندگی می نمودند و نیاکان من در این سوی ارس یعنی آذربایجان سکونت داشتند. آنان در غم و شادی در کنار یکدیگر بودند، در دین، مذهب، ملیت، زبان، فرهنگ، آداب و رسوم و ... با هم مشترک بودند و دوشادوش یکدیگر برای دفاع از تمامیت ارضی ایران بزرگ و دین و فرهنگ خود تلاش می نمودند؛ تا اینکه در سالهای 1192 و 1206 هجری شمسی بخشهایی از ایران که شامل سرزمینهای شمال ارس می گردید در نتیجه طمع ورزی و عداوت قدرتهای بزرگ آن زمان و پس از جنگهای طولانی مدت بین ایران و امپراطوری روس به موجب قراردادهای تحمیلی گلستان و ترکمانچای از میهن اصلی خویش جدا گردید و اینگونه بود که بین مردم دو سوی ارس جدایی افتاد. البته نیاکان ما تلاشهای زیادی برای از بین بردن این جدایی انجام دادند که متأسفانه به دلیل سیاستهای استعماری قدرتهای آن زمان منتج به نتیجه نگردید.

جناب آقای علی اف؛ می خواهم بعنوان نمونه و جهت بزرگداشت یاد و خاطره اجداد شما به یکی از تلاشهای مردم نخجوان- که محل تولد رئیس جمهور فقید آذربایجان مرحوم حیدر علی اف می باشد برای الحاق دوباره به ایران اشاره کنم.

89 سال پیش در روز نهم اردیبهشت ماه 1298 شمسی برابر با 30 آوریل 1919 میلادی اکثریت قریب به اتفاق مردم شهر نخجوان در مقابل کنسولگری ایران اجتماع کردند. آنان با شعارهایی از قبیل زنده باد دولت ایران و... تقاضای تابعیت ایران و الحاق به وطن اصلی خود را نمودند که این اجتماع پر شور چندین روز به طول انجامید. مردم نخجوان، رئیسان حکومت محلی، رئیس نیروهای نظامی و معتمدین شهر با ارسال 12 فقره تلگراف به دولت ایران، شاه، سفیر خارجی، رئیس جمهور آمریکا، انجمن صلح و رسای و... تقاضای الحاق به ایران را کرده و همه جا متذکر شدند که اصلاً ایرانی نژاد و مسلمان بوده و 92 سال است به زور از خاک ایران جدا شده اند. در این شرایط دولت محلی نخجوان با ترکیب کلبعلی خان رئیس قشون و سلطان اف رئیس حکومت، حاج حسنعلی قربان اف رئیس ستاد قشون و چند نفر از متنفذین و کلیه اعضای شورای ملی با امضای قطعنامه ای خود را تابع ایران و ایرانی نژاد معرفی و هیاتی مرکب از شیخ عبدالجبار بکتاش، مهدیقلی خان دیار بکری، سید باقر حیدرزاده، حسین آقا نوروز زاده را تعیین و به تبریز اعزام داشتند. هیات اعزامی ضمن نامه ای خطاب به ایرانیان از این که 92 سال به حکم زور ابرداران خود دور بودند ابراز تأثر نموده و مجدداً تقاضای الحاق به وطن اصلی خود را مطرح کردند؛ که البته این تلاشها به دلیل جو حاکم بر روابط بین الملل آن زمان که الزاماً بایستی در جهت منافع قدرتهایی از قبیل بریتانیا و... بود به نتیجه مورد نظر نرسید.

جناب آقای الهام علی اف؛ بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان؛ مردم ایران به ویژه مردم تبریز؛ از اینکه مردم مسلمان جمهوری آذربایجان بعد از سالها زندگی، تحت حاکمیت تزارها و کمونیستها؛ می توانستند فصل نوینی از حیات خویش را شروع نمایند احساس خوشحالی می کردند لیکن امروزه بعد از گذشت 17 سال از استقلال آذربایجان موجی از نگرانی و احساس مسئولیت جای این خوشحالی را گرفته است. دلیل این امر روشن و مبرهن است؛ مردم ایران خواهان عزت و موفقیت همه جانبه مردم جمهوری آذربایجان می باشند لیکن آنچه امروزه در نتیجه سیاستهای دولت آذربایجان در ادوار مختلف دیده می شود روندی است که خلاف این رانشان می دهد. امروزه همانطوری که در داخل جمهوری آذربایجان اکثریت مردم نسبت به سرنوشت خود و کشورشان نگران هستند در ایران هم این نگرانی احساس می شود.

جناب آقای علی اف؛ روابط دولت تحت حاکمیت جناب عالی با رژیم جعلی و غاصب اسرائیل، بلا تکلیفی مردم آواره قره باغ و سایر سرزمینهای اشغالی؛ سیاستهای دولت جمهوری آذربایجان برای زدودن هویت تاریخی مردم این کشور، وضعیت نامسا من اقلیتهای مختلف ساکن در جمهوری آذربایجان از قبیل تالشها، ایجداشکاف بین نسل گذشته و جوان جمهوری آذربایجان در نتیجه سیاستهایی از قبیل تغییر مرکز الفبا، محدودیت فعالیتهای دینی، تلاش بخشهای مختلف دولت برای تضعیف نقش دین و مذهب در جامعه آذربایجان، برخی اقدامات تحریک آمیز دولت آذربایجان در قبال مردم ایران و... از جمله عواملی هستند که موجبات نگرانی مردم ایران نسبت به سرنوشت مردم جمهوری آذربایجان را سبب شده است.

جناب آقای رئیس جمهوری آذربایجان؛ یقین دارم که می دانید شما در کشوری رئیس جمهور هستید که بیش از 90 درصد مردم آن کشور را مسلمانان تشکیل می دهند و کشورتان یکی از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی می باشد، سازمانی که اساس تشکیل آن؛ مبارزه با سیاستهای رژیم صهیونیستی است؛ رژیمی که از شصت سال قبل تا کنون از هیچ جنایتی علیه مسلمانان فلسطین دریغ نکرده است و امروزه نیز بیش از هر زمان دیگری عرصه را بر مردم مظلوم نوار غزه تنگ نموده است؛ رژیمی که شصت سال است؛ آرامش فیزیکی را از مسلمانان فلسطین و لبنان و آرامش روحی را از مسلمانان اقصی نقاط عالم سلب کرده است و...

سوال این است روابط دولت شما با این رژیم چگونه قابل توجیه است؟ آیا گمان نمی کنید همکاری تنگاتنگ شما با اسرائیل در زمینه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... دولت آذربایجان رادرجنایات ارتکابی رژیم صهیونیستی شریک می کند؟ راستی مسلمانان جهان و مردم ایران و جمهوری آذربایجان پیام تبریک شما به شیمون پسر رئیس جمهور اسرائیل به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس اسرائیل را چگونه تفسیر کنند که معنایی جز حمایت شما از قتل عام مردم نوار غزه داشته باشد؟ آیا سزوار است در روزهایی که مصادف با سالگرد اشغال بخشهایی از کشورتان می باشد؛ به مناسبت تاسیس اسرائیل، در کشور شما و با حمایت شما مراسم جشن برگزار گردد؟ آیا فکر می کنید روزی که در بین مردم جهان به روز نکبت شهرت یافته است و در حقیقت آغاز رنج و اندوه مردم مسلمان فلسطین می باشد بایستی در کشور شما جشن گرفته شود؟ راستی چه اصراری دارید بر اینکه علیرغم مخالفت صریح مردم جمهوری آذربایجان، در پایتخت کشورتان به نام اسرائیل پارک و خیابان افتتاح کنید؟...

جناب آقای علی اف؛ امروزه در نتیجه روابط شما با رژیم صهیونیستی بین دولت و مردم جمهوری آذربایجان شکاف عمیقی ایجاد شده است. واقعیت اینست؛ مردمی که حدود 20 درصد خاک کشورشان در اشغال بیگانه است نمی توانند بیذیرند که دولتشان با رژیم غاصب دیگری روابط حسنه داشته باشد. البته مردم جمهوری آذربایجان به لحاظ مسائل دینی نیز نمی توانند این موضوع را بر خود بقبولانند. آقای رئیس جمهور! خود بهتر می دانید بر اساس نظرسنجی یک موسسه بین المللی 92 درصد مردم کشورتان هیچ اعتقادی به

دولت آذربایجان ندارند؛ آیا فکر نمی کنید بخشی از این بی اعتمادی مردم به دولت محصول روابط حسنه دولت شما با رژیم صهیونیستی باشد؟ آقای علی اف واقعیت اینست دولت اسرائیل هیچگاه نخواهد توانست در عرصه بین المللی برای خود مقبولیت و مشروعیت عمومی کسب کند و روزی فرا خواهد رسید که مردم فلسطین حقوق ازدست رفته خود را استیفا خواهد نمود. لذا بهتر است سرنوشت خود را به سرنوشت دولت اسرائیل گره نزنید چراکه نتیجه آن مشخص است؛ همانگونه که در ایران قبل از انقلاب؛ رژیم پهلوی به دلایل مختلف از جمله ارتباط گسترده با رژیم صهیونیستی مورد خشم ملت ایران قرار گرفت و سقوط کرد؛ در آینده نیز مردم مسلمان کشورهای مختلف، دولتهایی را که از طریق

برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی خود را در جنایات آن رژیم شریک می نمایند مورد خشم انقلابی خویش قرار خواهند داد. اجازه دهید این بخش از نامه خود را با یک سوال دیگر به پایان برسانم؛ جناب آقای علی اف؛ شما را چه شده است که در برخورد با تعدادی از جوانان ایرانی هم زبان خود که به دلایلی از قبیل ورود غیر مجاز به کشورتان مدتهاست در زندانهای آذربایجان از قبیل زندان منطقه قره داغ در بدترین شرایط ممکن به سر می برند؛ هیچ گونه ماشاتی به خرج نداده و انواع شکنجه های روحی و جسمی را در قبال آنها رومی دارید ولی با صهیونیستهایی که در کشور مسلمان آذربایجان مرتکب هرگونه اعمالی - که قلم از توصیف آنها شرم دارد- می شوند هیچ برخوردی به عمل نمی آورید؟!

جناب آقای الهام علی اف؛ موضوع دیگری که می خواهم در خصوص آن با شما گفتگو نمایم مساله «قره باغ و سایر سرزمینهای اشغالی» است. حدود 14 سال از واگذاری حل موضوع قره باغ به گروه مینسک می گذرد. واقعیت اینست که در این مدت طولانی هیچ اقدام مفیدی در راستای بر گرداندن این سرزمینها به عمل نیامده است. روسای گروه مینسک حتی حاضر به دادن رای مثبت به قطعنامه سازمان ملل متحد در خصوص تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان نشدند؛ خود می دانید مردم مسلمان جمهوری قره باغ و سایر سرزمینهای اشغالی به دور از خانه و کاشانه خود در وضعیت اسفناکی به سر می برند و هر روز که سپری می شود بازپس گیری این سرزمینها سخت ترمی گردد. راستی برنامه شما در خصوص آینده این مناقشه چیست؟ چرانی خواهید از پتانسیلهای بالقوه ای که برای بازپس گیری این سرزمینها در اختیار دارید استفاده کنید؟ آقای رئیس جمهور! مردم کشور شما مسلمان هستند. در بین مسلمانان مفاهیمی همچون جهاد و شهادت از ارزش و کارایی بالایی برخوردار می باشد. چرا در دولت تحت حاکمیت شما به جای تلاش برای احیاء این ارزشها؛ با آنها مبارزه می شود؟ چرا در کشورتان از کسانی که در جنگ قره باغ شهید یا مجروح شده اند هیچ تجلیلی به عمل نمی آید؟ آیا در کشوری که 20 درصد آن در اشغال دشمن است نباید برای ایجاد و تقویت روحیه سلحشوری در بین مردم تلاش نمود؟ آیا شایسته است کشوری که بخشی از خاک کشورش در اشغال است به جای تلاش برای باز پس گیری آن؛ ارتش خود را برای کشتار مسلمانان عراق و افغانستان و همراهی با ارتش آمریکا به این کشورها اعزام نماید؟ چرا مرزبانان شما در برخورد با دوجوان آذری زبان اردبیلی که از روی کنجکاو و بیابه هردلیل دیگری وارد کشورتان شده بودند شدیدترین برخورد ممکن را بعمل آورده و با شلیک بی رحمانه آن دو جوان هم دین و هم زبان خود را از پای درمی آورند ولی دولت آذربایجان سالهاست در قبال اشغال 20 درصد از خاک خود توسط دولتی که هیچ گونه تجانس دینی یا فرهنگی با آذربایجان ندارد سکوت اختیار کرده و هیچ عکس العملی نشان نمی دهد؟

جناب آقای رئیس جمهور! بایستی متوجه باشیم که موضوع قره باغ نه می تواند در نتیجه گذشت زمان به فراموشی سپرده شود و نه با ادامه روند کنونی می توان به بازپس گیری آن امیدوار بود. همانطوری که مردم ایران توانستند در اوایل پیروزی انقلاب با وجود مشکلات فراوان بخشهایی از خاک کشورشان را که در نتیجه حمایت قدرتهای جهانی توسط رژیم بعثی عراق اشغال گردیده بود آزاد نمایند. امروزه نیز مردم مسلمان و شیعه جمهوری آذربایجان می توانند در سایه ترویج فرهنگ جهاد و شهادت نسبت به باز پس گیری سرزمینهای اشغالی خود اقدام نمایند. آقای رئیس جمهور! دیداری که از شهر باکو داشته خلی متاثر شدم. می دانید چرا؟

چون در نقاط مختلف شهر مجسمه هایی را دیدم که نماد فرهنگ غرب بودند ولی هرچه تلاش نمودم تا مجسمه ای و یا یادبودی در مورد شهدای قره باغ پیدا کنم نتوانستم؛ و من نیز مثل خیلی از مردم کشورتان به این باور رسیدم که شما با زبان بی زبانی از مردم می خواهید قره باغ را به فراموشی بسپارند. جناب آقای الهام علی اف؛ در ادامه می خواهم به موضوعات دیگری اشاره نمایم. من به عنوان کسی که در خصوص کشور تحت حاکمیت شما شناخت کافی دارم، نمی توانم نگرانی خود را از وضعیت نسل جوان جمهوری آذربایجان اظهار ننمایم. امروزه جوانان جمهوری آذربایجان در نتیجه سیاستهایی از قبیل تغییرات مداوم الفبا و نیز تلاش برای به فراموشی سپردن هویت راستین خود؛ به سختی می توانند با گذشته پرافتخارشان ارتباط برقرار کنند و مجبورند آنچه را که در مدارس و دانشگاهها به عنوان تاریخ کشورشان مطرح می شود بپذیرند که البته چون این مطالب منطبق با واقعیت نیست، ذهن پرسشگر آنان اثناء نمی شود و در نتیجه دچار نوعی سردرگمی می گردند. امروزه در مدارس و دانشگاههای جمهوری آذربایجان اینگونه تبلیغ می کنند که در گذشته کشوری به نام آذربایجان بوده است که دو کشور ایران و امپراطوری روس بر سر ترصاحب آن جنگ نموده و عاقبت قسمت شمالی به روسیه و قسمت جنوبی به ایران واگذار شده است؛ در حالی که جوان آذربایجانی بایستی بدانند در گذشته نیاکان اوتابعیت ایران را داشته اند و اودر حقیقت در فرهنگ و تمدن غنی ایرانی اسلامی که امروزه دوست و دشمن بدان معترف است سهیم می باشد.

آقای رئیس جمهور! همانطور که قبلا نیز اشاره شد حدود 90 درصد مردم کشور شما را مسلمانان تشکیل می دهند؛ با این حال اقدامات و سیاستهای دولت شما هیچ تناسبی با دین و فرهنگ مردم کشورتان ندارند. اقداماتی نظیر ممنوعیت پخش اذان، لایحه ممنوعیت حجاب در مدارس، ممنوعیت پخش کتب دینی، ممنوعیت عزاداری ماه محرم در خیابانها، ممنوعیت کاندید شدن خادمان دینی (روحانیون) در انتخابات مختلف، ممنوعیت صدور گذرنامه با حجاب اسلامی و... - که البته متولیان اقدامات فوق در برخی موارد مانند ممنوعیت پخش اذان در تریپافشاری مردم مسلمان آذربایجان مجبوره عقب نشینی شده اند؛ باعث گردیده بین مردم و دولت شکاف عمیقی ایجاد گردد که نتیجه آن خوش آیند نخواهد بود.

آقای الهام علی اف در این بخش تنها به ذکر یک سوال بسنده می کنم؛ چگونه است در کشورتان به بهانه آزادی؛ دست برخی قلم به دستان وابسته به رژیم صهیونیستی و آمریکا را آزاد می گذارید تا به مقدسات بیش از یک میلیارد مسلمان توهین روا دارند ولی جوانانی را که در راستای اعتقادات خود اقدام به برگزاری جلسات مذهبی می نمایند به جاسوسی متهم نموده و روانه زندانها می نمائید؟

آقای رئیس جمهور! در ادامه بایستی به این نکته اشاره نمایم؛ که علیرغم همه تلاشهای صورت گرفته در ایام طولانی مدت حاکمیت تزارها و کمونیستها و نیز دوران بعد از استقلال این کشور که برای جدا نمودن مردم این کشور از هویت تاریخی خود از هیچ کوششی دریغ نشده است؛ مردم این کشور در مسیر بازگشت به تاریخ و هویت اصیل خود که همان فرهنگ و هویت اسلامی ایرانی می باشد قرار گرفته اند. خوب دقت کنید! می توانید نشانه های این بازگشت را به خوبی احساس نمائید؛ گرایش روز افزون زنان جمهوری آذربایجان به حجاب، مقاومت دلیرانه مردم جمهوری آذربایجان در برابر لایحه ممنوعیت حجاب در مدارس آموزشی، انتخاب اسامی مذهبی از قبیل فاطمه توسط والدین آذربایجانی برای فرزندان، گرایش شدید مردم جمهوری آذربایجان به کالاهای ایرانی؛ علاقه غیر قابل وصف آنان برای مسافرت به ایران و زیارت مشهد مقدس، حضور پر شور جوانان در مراسمات مذهبی با وجود محدودیتهای موجود، علاقه مردم جمهوری آذربایجان به فرهیختگان ایرانی از قبیل استاد شهید، قرار گرفتن کتابهای مذهبی مانند قرآن و نهج البلاغه در ردیف کتابهای پر فروش سال علیرغم محدودیتهای فراوان و... نمونه هایی از قرار گرفتن مردم جمهوری آذربایجان برای بازگشت به هویت راستین و تاریخی خود می باشند.

آقای رئیس جمهور! امروزه گرایش به دین به موضوعی جهانی تبدیل گردیده است و در این میان دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی به سرعت در حال گسترش می باشد. در این وضعیت برخی اقداماتی که از ناحیه دولت جمهوری آذربایجان برای تقابل با دین صورت می گیرد جای بسی تعجب و تاسف دارد؛ در حالی که رئیس جمهور کشوری مانند آمریکا که دستش به خون انسانهای بی شماری در اقصی نقاط عالم آلوده گشته است سعی می نماید خود را فردی معتقد به دین مردم کشورش نشان دهد و مدام رفتن به کلیسا و انجام

مراسمات مذهبی را مطرح می کند؛ از رئیس جمهور کشوری که اکثریت مردم آن رامسلمانان تشکیل می دهند بعید است که از هیچ کوششی برای کم رنگ نمودن ارزشهای دینی و اسلامی دریغ نمی کند.

جناب آقای الهام علی اف! همه می دانند کسی که در جهت خلاف رودخانه شنا می کند هیچگاه به مقصد نخواهد رسید؛ واقعیت اینست که اقدامات شما جملگی در مسیر مخالف حرکت مردم جمهوری آذربایجان می باشد؛ لذا امید است بیش از این فرصتها را از دست ندهید و همگام با مردم مسلمان جمهوری آذربایجان در سایه تعالیم اسلام و با توجه به هویت تاریخی مردم این کشور با شناخت واقعی دوست از دشمن در مسیر عزت و پیشرفت همه جانبه مردم آذربایجان گام بردارید. در این صورت مردم ایران نیز که تا کنون در همه مراحل پشتیبان مردم جمهوری آذربایجان بوده اند از هیچ کوششی برای پیشرفت مردم آذربایجان دریغ نخواهند نمود. واقعیت اینست ملت ایران به ویژه مردم آذری زبان کشور ما نمی توانند نسبت به سرنوشت بخشی از هموطنان خود که در نتیجه سیاستهای برخی قدرتها از میهن اصلی خود دور افتاده اند؛ بی تفاوت باشند.

جناب آقای الهام علی اف؛ در تاریخ اسلام افراد زیادی بوده اند که با نگاهی به گذشته و با اندکی تفکر در خصوص فلسفه آفرینش خود و جهان هستی؛ توانسته اند سرنوشت خود را به بهترین وجه ممکن تغییر دهند. اکنون که بزرگواری نموده و این مختصر را مطالعه نموده اید می توانید بی تفاوت از کنار آنچه گفته شد عبور کنید و یا در خصوص آنها تامل ننمائید.

آقای رئیس جمهور؛ شاید متن این نامه اندکی تند و گزنده باشد لیکن بدانید انگیزه نگارنده آن تنها کمک نمودن به ملت و دولت جمهوری آذربایجان می باشد. امید است در سایه بازگشت به ارزشهای والای ملی اسلامی آینده خوبی برای خود و مردم رنج کشیده جمهوری آذربایجان رقم بزنید و البته می دانید مراد از آینده تنها این دنیای فانی و زود گذر نیست.

Hg1163@gmail.com